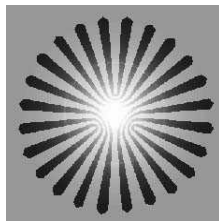


الله اعلم
الله اعلم



دانشگاه پیام نور

عنوان پایان نامه:

جرائم قابل گذشت و سیاست کیفری تقنینی جمهوری اسلامی ایران

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر میلانی

استاد مشاور:

سرکار خانم دکتر سوهانپان

دانشجو:

طاهره موسوی میانگاہ

بهار 89

تقدیم به :

- خاک پای پدر نستوه و پارسایم
- صفای دل مادر مهربانم
- قلب مملو از مهر همسر فداکارم
- معصومیت دیدگان فرزندان دلبندم

با تشکر و سپاس فراوان از استاد گرانقدر جناب آقای دکتر میلانی که اگر همراهی ایشان نبود این اثر پدید نمی آمد و همچنین استاد گرامی سرکار خانم دکتر سوهانیان که در طی انجام این پایان نامه از مشاوره ارزنده ایشان بهره بردم.

و تقدیر و تشکر از:

استاد گرانقدر جناب آقای دکتر نظیفی که در دوران تحصیل افتخار شاگردی ایشان را داشته ام و با هدایت های خود نور علم و رشد الهی را هدیه کردند.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
1	چکیده
2	مقدمه
2	1- بیان مساله و اهمیت آن
9	2- سؤالات تحقیق
10	3- فرضیات تحقیق
10	4- اهداف تحقیق
11	5- روش تحقیق
11	6- ضرورت انجام تحقیق
11	7- ساختار تحقیق
	فصل اول:
13	سیاست کیفری، مفاهیم، ویژگی ها و انواع آن
	بخش اول:
14	مفاهیم و ویژگی های سیاست کیفری
14	مبحث اول: مفهوم سیاست کیفری و تحول آن در بستر زمان و مکان
15	گفتار اول: موضوع و مفهوم سیاست کیفری
17	گفتار دوم: تحول و توسعه مفهوم سیاست کیفری
	بند اول: تحول و توسعه مفهوم سیاست کیفری در زمان
17	
22	بند دوم: تحول و توسعه مفهوم سیاست کیفری در مکان
23	مبحث دوم: ویژگی های سیاست کیفری
صفحه	عنوان

- گفتار اول: کم رنگ شدن ویژگیها و مرز بندی سیاست کیفری ----- 25
- بند اول: ویژگیهای مراجع تحقیقات ----- 26
- بند دوم: سیاست کیفری و نظام اقتصادی ----- 26
- الف : سیاست کیفری در کشورهای فوق صنعتی ----- 27
- ب: سیاست کیفری در کشورهای در حال توسعه ----- 27
- گفتار دوم: گسترش مقوله های کیفری ----- 28
- بند اول : میانجیگری ----- 29
- بند دوم : حقوق اداری کیفری (سرکوبگری اداری) ----- 31
- بند سوم : خسارت زدایی عمومی از قربانیان جرایم ----- 31

بخش دوم:

- انواع سیاست کیفری ----- 33
- مبحث اول: سیاست کیفری تقنین ----- 34
- گفتار اول: سیاست کیفری تقنینی ایران قبل از انقلاب اسلامی ----- 35
- بند اول: تحولات قوانین در ایران از مشروطیت و ایجاد دادگستری جدید ----- 35
- بند دوم: مهمترین قوانین جزایی مصوب پس از مشروطیت تا انقلاب اسلامی ایران 1357- -----
- 38**
- گفتار دوم: سیاست کیفری تقنینی ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ----- 40
- بند اول : سیاست کیفری تقنینی جمهوری اسلامی ایران پس از پیروزی انقلاب و تحولات آن -----
- 40**
- بند دوم: جرم زدایی و کیفر زدایی راهی به سوی تعدیل قوانین کیفری ----- 44
- مبحث دوم: سیاست کیفری غیر تقنینی ----- 47
- گفتار اول: سیاست کیفری قضایی ----- 47
- بند اول : اهمیت نقش دارندگان پایه های قضایی در سیاست کیفری قضایی ----- 47
- بند دوم: سیاست کیفری تقنینی و پیشگیری از ارتکاب جرم ----- 49

52	گفتار دوم : سیاست کیفری اجرایی
53	بند اول : نگرشی بر سیاست کیفری اجرائی در نظام کیفری جمهوری اسلامی ایران
57	بند دوم : بررسی کاستیهای سیاست کیفری اجرائی جمهوری اسلامی ایران
	فصل دوم:
64	جایگاه گذشت شاکی خصوصی در نظام کیفری جمهوری اسلامی ایران
	بخش اول:
65	جرایم قابل گذشت در نظام کیفری جمهوری اسلامی ایران
66	مبحث اول : مبانی فقهی و قانونی جرایم قابل گذشت در فقه امامیه و متون قانونی ایران
68	گفتار اول: مبانی فقهی جرایم قابل گذشت
68	بند اول : جرایم حق الهی
70	الف: حد سرقت
73	ب: حد قذف
75	بند دوم : جرایم حق الناسی
77	گفتار دوم: مبانی قانونی جرایم قابل گذشت
78	بند اول : سابقه قانونی جرایم قابل گذشت
78	الف: قبل از پیروزی انقلاب اسلامی
80	ب: بعد از پیروزی انقلاب اسلامی
85	بند دوم : رویه های قضایی در جرایم قابل گذشت
86	الف : راهکارهای قضایی راجع به جرایم علیه تمامیت جسمانی اشخاص
87	ب : راهکارهای قضایی راجع به جرایم علیه عفت عمومی و تکالیف خانوادگی
88	ج : راهکارهای قضایی راجع به جرایم علیه اموال

- 91----- مبحث دوم : ملاک تعیین جرایم قابل گذشت در نظام کیفری ایران
- 92----- گفتار اول: ملاک های تعیین جرایم قابل گذشت
- 92----- بند اول : ملاک های عرفی
- 95----- بند دوم : ملاک های شرعی
- 100--- گفتار دوم : تعیین جرایم قابل گذشت و سیاست کیفری تقنینی جمهوری اسلامی ایران

بخش دوم :

104----- مصادیق جرایم قابل گذشت در قانون مجازات جمهوری اسلامی ایران

- 105----- مبحث اول: جرایم مستوجب تعزیر و مجازاتهای بازدارنده
- 107----- گفتار اول: قانون تعزیرات مصوب 1362 و قانون مجازات اسلامی مصوب 1375
- بند اول : گردآوری و یکپارچه شدن عناوین مجرمانه (جرایم)

109

----- بند دوم :تعیین جرایم جدید و یا تغییر شکلی و ماهوی قوانین قدیم

110

- 111----- بند سوم : برشماری جرایم قابل گذشت
- 112----- گفتار دوم : اقسام جرایم مستوجب تعزیر و مجازاتهای بازدارنده
- 112----- بند اول : جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی
- 114----- بند دوم : جرایم علیه اشخاص
- 114----- بند سوم : جرایم علیه دین و مذهب
- 115----- بند چهارم : جرایم علیه اموال

116----- مبحث دوم : جرایم مستوجب مجازاتهای شرعی

116----- گفتار اول: جرایم مستوجب حدود

119----- گفتار دوم : جرایم مستوجب قصاص و دیات

119----- بند اول : جرایم مستوجب قصاص

122----- بند دوم : جرایم مستوجب دیات

نتیجه گیری ----- 125

پیشنهادها ----- 128

فهرست منابع ----- 130

چکیده انگلیسی

Abstract

Studying the history of penal law development , it is obvious that after understanding the concept of “ public order “ and violence against it as a crime nature in different societies “ the principle of crime unforgivability “ was recognized. In Iran law, approving the law on criminal trial of legislator the two public and private aspects for a crime were considered and the mentioned principle was accepted due to the predominance of its public aspect and those crimes with more private aspect were exceptionally considered as “ forgivable crimes “

After Islamic revolution the principle of “ divine right and men right “ was considered as a criterion for the legislator’s action a long with public and private aspects of crime.

with this in mind ,an outstanding development was created in this respect and the number of forgivable crimes increased .

In ۱۳۶۰s and ۱۳۷۰s firstly the judicial procedure and secondly legislation, considering social realities and carefulness in religious rules, tried to reexamine the public aspect and unforgivability of some crimes as well as the acceptance of forgivable crimes in previous way .

Key Words:

Penal policy-forgivable crimes- victim amnesty- legislative innovations- public order- juridical strategies

چکیده

با مطالعه تاریخ تحولات حقوق کیفری، معلوم می‌گردد که پس از درک مفهوم «نظم عمومی» و شناخت نقض آن به عنوان ماهیت جرم در جوامع مختلف «اصل غیر قابل گذشت بودن جرایم» مورد شناسایی قرار گرفت. در حقوق ایران نیز با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری قانونگذار برای جرم دو جنبه عمومی و خصوصی در نظر گرفت و به لحاظ غلبه جنبه عمومی اصل مزبور مورد پذیرش قرار گرفت و جرایمی که جنبه خصوصی در آنها غلبه داشت استثنائاً به عنوان «جرایم قابل گذشت» احصاء گردید. پس از انقلاب اسلامی ضابطه «حق الله و حق الناس» در کنار جنبه عمومی و خصوصی جرم ملاک عمل قانونگذار قرار گرفت. و با این توصیف دگرگونی چشم‌گیری در این زمینه به وجود آمد و شمار جرایم قابل گذشت افزایش یافت. در دو دهه 1360 و 1370 نخست رویه قضایی و سپس قانونگذاری با لحاظ واقعیات اجتماعی و دقت در موازین فقهی از یک سو بر جنبه عمومی و غیر قابل گذشت بودن برخی جرایم و از سوی دیگر با احصاء «جرایم قابل گذشت» به همان روش سابق بر اصل غیر قابل گذشت بودن جرایم رویکردی مجدد داشته است.

واژه های کلیدی:

سیاست کیفری، جرایم قابل گذشت، گذشت بزه دیده، نوآوریهای تقنینی، نظم عمومی، راهکارهای قضایی.

مقدمه^۱

۱ - بیان مساله و اهمیت آن

نوشتاری که درپیش رودارید تحقیق وپژوهشی است که به طوراجمال جرایم قابل گذشت و سیاست کیفری^۱ جمهوری اسلامی ایران در رابطه با جرایم قابل گذشت رامورد بررسی قراردادده است. ازدیدگاه تاریخی چه قبل از انقلاب اسلامی و چه پس از آن تبیین جرایم قابل گذشت جایگاه خاصی در سیاست کیفری ایران داشته است. بطورکلی نظریه های قرارداداجتماعی ومقدم بودن مصلحت جامعه بر مصلحت افرادکه برای توجیه مجازات خطاکاران توسط جامعه ودولت اعتبار زیادی میان مکاتب کیفری پیدا کرده است، عاملی برای توجیه جنبه عمومی جرایم نیزبه شمارمیرودبه گونه ای که ماهیت جرم را یک اولاً" و بذات یک ماهیت عمومی می دانند، هرچند که آن جرم ضرر مادی و فردی را برای جامعه در واقع به همراه نداشته باشد. این دیدگاه اراده جامعه رابرا اراده افراد مقدم می دارد وحتی حریم خصوصی افراد رانیز کنترل میکند. امامدتی است^۲ که حقوق بشرو آزادی اراده افراد، مورد توجه قوانین قرار گرفته است و به اراده افراد احترام زیادی گذاشته میشود. یکی از آثار این نگرش، جرم زدایی از بسیاری جرایم مذهبی وشخصی است مانند اعلام عقیده های ضد دینی وروابط آزاد جنسی که در قوانین گذشته، جرم محسوب می شد اما امروزه کمتر شاهد جرم بودن آنها در نظامهای کیفری هستیم.

اثر دیگر دیدگاه مزبور آن است که دولت و جامعه، خود را درگیر روابط خصوصی افراد نکنند. بنابراین جرایمی که ضرر آنها متوجه افراد است، خصوصی وقابل گذشت تلقی شده اند و این دیدگاهی است که در قانون اسلام نیز مورد تاکید قرار گرفته است با این تفاوت که در جامعه اسلامی به دلیل ارزشهای دینی و اخلاقی خاصی که وجود دارد برخی از جرایم مانند رابطه جنسی افراد هرگاه در چارچوب مقررات شرعی وقانونی نباشد یا شرب خمر، هرچند در خفا صورت گیرد را نمی توان خصوصی تلقی کرد، زیرا تعرض به این ارزشها محسوب می شود و طبعاً جنبه عمومی پیدا میکند امروزه قانونگذاران سیاست های متعددی را اتخاذ می کنند تا با رسیدگی به جرایم ازدوش دستگاه قضایی برداشته شود مانند سیستم موقعیت داشتن تعقیب وتوافق بامقامات اجرایی واداری اقرار به مجرمیت وتوسل به میانجیگری امور مزبور گامی در راستای سیاست قضازدایی است که

1- penal policy

3- در دهه 50 و در قالب ماده 25 قانون اصلاح پاره ای از قوانین دادگستری (مصوب 1356/3/25) گذشت شاکی را حتی در جرایم غیر قابل گذشت، از موجبات تخفیف مجازات انگاشت^۲

درفقه امامیه و عامه کشورمانیز جایگاهی دارد.^۱ گذشت شاکی و تأثیر آن در موقوفی تعقیب نیز از ابزارهای مهم تحقق این سیاست است که قانونگذاران به آن توجه خاص کرده اند، به ویژه آن که منابع اسلامی که پایه قوانین موضوعه اند اهتمام ویژه ای نسبت به این مسئله دارند آیات فراوانی وجود دارد که مردم را به گذشت از جرایم تشویق می کند.^۲

روایات زیادی نیز در مورد تشویق بزه دیدگان به گذشت از بزهکاران در دست است.^۳ تحقیق پیرامون این موضوع به ویژه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بسیار لازم و ضروری است زیرا به نظر میرسد که قانونگذار در این باره به شدت دچار اضطراب شده و تناقضات موجود در قوانین به خوبی گویای صحت این مدعا است. به عنوان نمونه ماده 6 قانون ایین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری (ق ادک) مصوب 1378، گذشت شاکی خصوصی در جرایم قابل گذشت را موجب صدور قرار موقوفی تعقیب می داند. حال آنکه ماده 727 قانون مجازات اسلامی (ق.م.ا) مصوب 1375، چنین تکلیفی را برای قضات برقرار نکرده و قاضی را مختار کرده است تا مجازات را تخفیف دهد یا قرار موقوفی تعقیب صادر کند.

البته همراه با گسترش، توسعه و تکامل جامعه بشری و پیچیدگی روابط اقتصادی و اجتماعی در ابعاد گوناگون افعال مجرمانه نیز روبه افزایش و پیچیدگی نهاد و هر روز کفه جرایم متقلبانانه از قبیل خیانت در امانت، کلاهبرداری، جعل و تولید کالاهای مضر، ممنوع و خطرناک شرکتهای تجاری و تولیدی سنگین ترمی شود. از طرف دیگر، امروزه تشکل های گروهی در قالب انجمن ها و جمعیت های علمی، هنری، ادبی و احزاب سیاسی روبه فزونی است.

این پدیده خود موجب پیدایش و ظهور جرایم جدیدی در عرصه فعالیت های اقتصادی - اجتماعی شده است و در کنار بزهکاری سنتی، بزهکاری جدیدی مبتنی بر منافع و تشکیلات جمعی

1- مصطفی، عباسی، افق های نوین عدالت ترمیمی در میانجی گری ترمیمی، چاپ دوم، انتشارات دانشور، 1382، ص 271

2- شوری آیه 40، « جزای بدی، بدی دیگری مثل آن است اما اگر ببخشد و گذشت کند پاداش او با خداست » بقره آیه 178 « اگر کسی از برادرش گذشت کند تابع معروف است و ادای احسان کرده است »

3- امام صادق (ع) فرمودند: « پیامبر فرمود گذشت پیشه کنید زیرا عفو و گذشت جز عزت بر بنده نمی افزاید پس یکدیگر را مورد عفو قرار دهید تا خداوند شما را سرافراز کند »

و گروهی به وسیله اشخاص حقوقی صورت می گیرد. که خود چالش هایی را در رابطه با قابل گذشت بودن یا نبودن بعضی از جرایم بوجود آورده است.

از آنجا که جرم به مثابه رفتاری معارض با هنجارهای اجتماعی همزاد بشر است، از همین رو انسان در بستر رشد تاریخی خود کوشیده است تا با بهره گیری از توانمندی های علمی و سازمانی اش به مواجهه معقول با وقوع، گسترش و امتداد جرایم برخیزد. کیفر به عنوان اولین و مهمترین پاسخی که برای مواجهه با جرم طراحی و اعمال شده است، مفهومی، همواره دستخوش بازسازی و بازبینی داشته است، زمانی از تعذیب جسمی توسط صاحبان قدرت تا سلب آزادی از طریق نظام قانونمند عدالت کیفری تغییر ماهیت داده است. و امروزه دیدگاههایی مبنی بر محدود ساختن اعمال کیفر و گرایش به تعیین جایگزین های اجتماعی و باز پرورانه مورد توجه قرار گرفته است. انباشت مطالعات گرد آمده در این قلمرو دانشی ویژه (سیاست کیفری) را پدیدار ساخته است.

زمانی جرم را به عنوان هنجار شکنی ای که باید سرکوب شود (عنصر حقوقی صرف) می شناختند و تنها به واکنش در برابر آن می اندیشیدند، از این رو مجازات ها خشک و بی انعطاف بود و در تعیین یا اعمال آنها شخصیت بزهکار یا بزه دیده مورد توجه قرار نمی گرفت در نتیجه اغلب اصل « شخصی بودن مجازات » پامال اجرای چشم بسته کیفر می شد.

اما به تدریج و تحت تاثیر آموزه های ادیان الهی، با جایگزین شدن دیدگاه « حسن و قبح فاعلی » به جای « حسن و قبح فعلی » دریچه ای برای توجه نظری به مجرم گشوده شد که در قرون اخیر پیوستن داده های روان شناختی و جرم شناختی بدان، فراتر از « شخصی بودن » زمینه شکل گیری اصل « فردی بودن مجازات » را فراهم آورد.

تمایل کیفرها به تناسب یافتن با شخصیت مجرمان به نوبه خود موجب شد کارکرد باز پرورانه یا پیشگیرانه کیفرها در کنار کارکرد سنتی سرکوبگرانه شان قد علم کند.

همزمان، توجه به بزه دیده که به رغم سنت های کهن بشری و تعالیم انبیای الهی قرن ها « مؤلفه فراموش شده » فرایند جنایی مانده بود بعد دیگری را به کیفر بخشید. گرایش به جبران کنندگی کیفرها یا تلاش برای جبران زیان ها و صدمات ناشی از جرم در

کنار کیفر، محصول باز تولید همین اندیشه بود. بدین ترتیب رویکرد ترمیمی نیز زمینه های تازه ای را برای تحولات دوباره در مفهوم و کیفیت کیفر پدید آورد.¹

همگام با این تحولات، جرم از مفهومی اخلاقی یا روانشناختی پا فراتر نهاد و به عنوان پدیده ای اجتماعی شناسایی شد. توجه به ابعاد اجتماعی پیدایش، گسترش و حرکت جرم در جامعه از سویی و مطالعه تدابیر کنترلی و واکنش های گوناگون جامعه از نهادهای رسمی قضایی و غیر قضایی تا نهادهای غیر رسمی و توده مردم از سویی دیگر بستر جدیدی را برای مطالعه پدیده جنایی و ساماندهی پاسخ بدان گشود.

جامعه شناسی جنایی و سیاست کیفری به عنوان شاخه های جدید بر آمده از این مطالعات، دستاوردهای جدیدی را به ارمغان آوردند که پرورش دهنده این ایده بودند که « پیشگیری بهتر از کیفر است » از این رو مطالعات جرم شناسی پیشگیرانه از قلمرو پیشگیری واکنشی (کیفری) پا فراتر نهاد و به تبیین ظرفیت ها و زاویه های پیشگیری کنشی (اجتماعی) همت گمارد.

این همه در حالی بود که علم با قدم نهادن به عصر جدید ماهیت یا لااقل بعدی ابزاری یافته بود و دانشمندان در صدد عملیاتی کردن هر شاخه از دانش به ارائه راهکارهای متنوعی می پرداختند. بدین ترتیب علوم جنایی نیز نقش جدیدی را بر عهده گرفت که با پررنگ تر کردن وجهه تجربی آن حضوری فعال در برنامه ریزی اجتماعی را می طلبید. دانشمندان علوم جنایی بنابر همین ضرورت کوشیده اند دستاوردهای علمی خود را جامه عمل بپوشانند و در قالب راهکار یا برنامه ارائه دهند.

جایجایی جرایم، دگرگونی بزهکاران، حرکت و گسترش بزهکاری و تغییر اوصاف بزهمندی لزوم برنامه ریزی دقیق اجتماعی را در مواجهه با شرایط پیش رو گوشزد می کند.

برنامه ریزی ای در سطح ملی و از طریق نهادهای قانونگذاری که از سویی جرایم هدف، روش های استاندارد شده مقابله با آنها و همچنین شرح وظایف نهادهای مختلف اجتماعی در تحقق اهداف برنامه را معین کند. و از سوی دیگر با تکیه بر تبیین روشن اوضاع و احوال کنونی و

1- قاسم، محمدی، از بام سیاست کیفری تا عرصه راهبرد جنایی، مجله حقوقی دادگستری، شماره 47، چاپ اول، تابستان 1383، ص 9

آمارهای دقیق مربوط به رنگبندی، گستره و فراوانی جرایم وضعیتی مطلوب (نه آرمانی) را طراحی و شیوه رسیدن بدان را در مقطع زمانی اجرای برنامه تبیین کند و بدین ترتیب «راهبرد جنایی» معینی را به جامعه ارائه دهد.

این در حالی است که تبدیل نسل ها، تغییر شرایط اجتماعی و نوآوری های علمی نیز ظرفیت های جدیدی را برای تحقق جرم فراهم ساخته و لزوم روز آمد سازی قوانین و چاره اندیشی پیش از گرفتار شدن به بحران های اجتماعی را بیشتر می نماید.

امروزه جرم واقعی اجتماعی شناخته می شود که به رغم تلاش های موجود همواره درصدی از آن در جامعه یافت می شود و از این رو پدیده ای عادی یا جزء جدایی ناپذیر جامعه معرفی می شود. هرچند کاملاً موافق وجه افراطی این نظریه نباشیم اما یارای انکار این واقعیت را نیز نخواهیم داشت که جامعه عاری از جرم ایده ای دست نا یافتنی است. پس آنچه در وسع ما می ماند تلاش برای کنترل و کاهش بزهکاری است که هر اقدامی در این مسیر بی تدوین و ارائه راهبردی روشن و جامع کاری بیهوده خواهد بود.

«در حقوق قدیم جوامع بشری و قبل از تشکیل دولتها و نهادهای عمومی، جرایم، فاقد جنبه عمومی بوده و صرفاً واجد جنبه خصوصی بوده است و در نتیجه آن ها را خطاهای عمومی که برکل جامعه اثر می گذارد محسوب نمی کردند»¹ زیرا مفهوم نظم عمومی و تأثیراتکاب جرم در اختلال آن یعنی ضرر اجتماعی ناشی از جرم که منافع اجتماعی را در معرض خطر و تهدید قرار می دهد در آن زمان نا شناخته و غیرقابل درک بوده است. از این رو تعیین اعمال مجرمانه و ضمانت اجرای کیفری آن، براساس عرف و عادات محلی و قومی صورت می گرفت و اعمال مجازات یا انصراف از آن نیز در اختیار متضرران جرم گذاشته شده بود. «تا اینکه به تدریج، آثار منفی این اعمال بر جامعه و لزوم حمایت از جامعه در مقابل آن، مورد شنا سایی واقع شد و در نتیجه، جرایم علاوه بر جنبه خصوصی، واجد جنبه عمومی نیز گردید و حتی جنبه عمومی اکثر جرایم، بر جنبه خصوصی آن برتری یافت و بدین سبب، جامعه شروع به دخالت در دستگیری و مجازات مجرم نمود، تاجایی که حتی به نام "نظم عمومی" منافع زیان دیده، جنبه ثانوی به خود گرفت. طبق قاعده "اعلام جرم عمومی" علاوه

1- حسین، میر محمد صادقی، جرایم علیه اموال و مالکیت، جلد اول، چاپ چهارم، تهران، نشر میزان، 1380، ص 42

براو، هر شخص دیگری نیز می توانست به دادگاه مراجعه و تقاضای اعمال مجازات بر متهم را نماید. سپس بر مبنای مفهوم "حیثیت عمومی و خصوصی جرم" و حسب جنبه عمومی یا خصوصی جرم و توجه به مصالح فردی و یا اجتماعی تعبیر "جرایم غیر قابل گذشت و قابل گذشت" نیز وارد دعاوی کیفری شد و به تد ریح به لحاظ تحولات مزبور "اصل بر غیر قابل گذشت بودن جرایم" گردید و قابلیت گذشت جرایم، به عنوان استثناء بر اصل یاد شده شناخته شد و نیازمند تصریح قانونی گردید.

در حقوق ایران، این اصل، در همان مواد نخستین قانون موقتی اصول محاکمات جزایی مصوب 1290 هجری شمسی به تبعیت از مجموعه قوانین تحقیقات جنایی فرانسه (کد نا پلئون) که (جرایم معدودی را قابل گذشت تلقی کرده بود) پذیرفته شد.¹ سپس قانون گذار، در جهت تبیین استثناء مزبور، جرایم قابل گذشت را که به بیش از 60 مورد بالغ می گردید به موجب قانون احصاء کرد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و تدوین قوانین جزای اسلامی، موارد جرایم قابل گذشت، با توجه به مفاهیم فقهی (حق الله و حق الناس) کاملاً دگرگون شد و در واقع قانونگذار اسلامی، روش تعیین ضابطه (حق الله و حق الناس) را جایگزین روش احصاء قانونی قبلی نمود. و صریحاً مقرر نمود "در حقوق الناس، تعقیب و مجازات مجرم متوقف بر مطالبه صاحب حق یا قائم مقام قانونی اوست" (ماده 159 ق.م.ا 1362) و نیز "در جرایم واموری که جنبه حق الهی دارند محاکمه مرتکب حتماً بایستی با حضور متهم صورت گیرد" (ماده 30 ق.ت.د.ک 1368) ولی برای تشخیص این دو واژه فقهی (حق الله و حق الناس) ضابطه ای تعیین و ارائه نمود و همین امر موجب گردید تا از این دو تأسیس جدید، استنباطات قضائی و حقوقی مختلفی در مراجع کیفری و محافل علمی به عمل آید.² تا جایی که حتی برای تبیین این موضوع، دخالت مراکز مشاوره ای قضائی، تفاسیر مراجع عظام و علمای حقوق و در نهایت هیأت عمومی دیوان عالی کشور را (در دهه 60) و نیز دخالت مستقیم قانونگذار را با ارائه چندین راهکار و نوآوری

1- محمد، آشوری، عدالت کیفری، جلد دوم، چاپ دوم، تهران، نشر گنج دانش، 1381، صص 197 و 202

2- محمود، آخوندی، آیین دادرسی کیفری، جلد اول، چاپ سوم، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی، ج 1، 1385،

جدید (دردهه 70) برای حل این مشکل و در نتیجه، تعیین و تشخیص جرایم غیر قابل گذشت و قابل گذشت سبب گردید. راهکارهایی که هیچ کدام، از ایراد و انتقاد، مصون نمانده و تا کنون نیز این معضل قضایی را به نحو کامل رفع ننموده است.

البته پیروزی انقلاب اسلامی ایران و ضرورت انطباق قوانین و مقررات کشور با موازین شرع (اصل چهارم قانون اساسی) کاملاً مبرهن می ساخت که تدوین قوانین جزای اسلامی، آغاز مسیری بر افزایش دامنه جرایم قابل گذشت باشد که بدون شک، جایگاه خاص حق الناس در تقسیمات حقوق اسلامی را باید مقتضی چنین تحولی دانست.^۱

سرانجام نیازهای عملی و واقعیات موجود در جامعه، سبب شده است که در طی نزدیک به پانزده سال اخیر، بتدریج در برخی از مواضع متخذ در این زمینه، تحولاتی حادث شود.

ریشه های اتخاذ این مواضع جدید را می توان هم در راهکارهای رویه قضایی (بویژه آرای وحدت رویه) و هم در تدوین و اتخاذ راه حلهای نوین از سوی قانونگذار (بویژه به هنگام تدوین قانون مجازات اسلامی 1370 و قانون تعزیرات 1375) جست و جو نمود.

بدون شک توجه به مبانی فقهی این مسئله، مقتضیات راهکارهای قضایی و نو آوریهای تقنینی تحولات اخیر را روشن خواهد ساخت. چنان که برخی حق الله را با حقوق عمومی، و حق الناس را با حقوق خصوصی منطبق دانسته اند^۲ از میان تعاریف متاخر، برخی حق الله را سلطنت خداوند بر بازخواست عموم بندگان و بر فعل یا ترک فعل مورد نهی و امر شارع دانسته اند.^۳

ضرورت ارایه تعریفی واحد و ضابطه ای مشخص از این دو مفهوم، زمانی بیش از پیش احساس می شود که به آثار متعددی که بر این تفکیک مترتب است اندکی توجه مبذول گردد. شاید به جرات بتوان اذعان نمود که از بارزترین ویژگیهای حق الناس در این تفکیک ضرورت در خواست آن از سوی شاکی یا بزه دیده است.

۱- به طوری که تأثیر این مفهوم حتی در نظام جرایم قابل گذشت پیش از انقلاب نیز مشهود بوده است.

۲- محمد جعفر، جعفری لنگرودی، دایره المعارف علوم اسلامی - قضایی، ج 2، چاپ اول، انتشارات گنج دانش، 1379، صص 539 و 538

۳- حسین، لطیف، حق الله و حق الناس، پایان نامه کارشناسی ارشد جزا و جرم شناسی، دانشگاه تهران، 1370، ص 24

چنین به نظر می‌رسد که قانونگذار، پس از انقلاب اسلامی، در کنار پذیرش برخی از آثار این تفکیک، بر این خصیصه مهم حق الناس، تاکید ویژه‌ای ورزیده است.^۱

بدیهی است که با توجه به تقسیم بندی مجازاتها در قوانین کیفری پس از انقلاب، تشخیص موارد جرایم قابل گذشت از جرایم غیر قابل گذشت در برخی از این منقسمات روشن بوده است به طوری که می‌توان موارد قصاص (اعم از نفس و عضو) و آنچه را که مشمول عنوان دیات است بنا بر اصل قابل گذشت تلقی نمود. حدود را نیز به غیر از حد قذف و سرقت قبل از شکایت نزد قاضی می‌توان بدون تردید غیر قابل گذشت انگاشت.

اما در قلمرو تعزیرات، مشکلات کاملاً پررنگ است. سکوت قانونگذار تشخیص این مسئله را که آیا در تعزیرات، اصل بر غیر قابل گذشت بودن آن است یا خیر، در محاق ابهام قرار داده بود. چرا که اصل مسلم بر غیر قابل گذشت بودن هر جرمی است مگر آنکه قانونگذار بر خلاف آن تصریح نماید.

موضوع این رساله نیز، بررسی همین تحولات با هدف تبیین جرایم قابل گذشت و سیاست کیفری قانونگذاران ایران است. لذا مطالب آن به ترتیب در دو فصل سیاست کیفری، مفاهیم و انواع آن و نقش رضایت در جرایم قابل گذشت همراه با یک نتیجه گیری نهایی، ارائه می‌گردد.

سؤالات مطروحه در این تحقیق عبارتند از:

2-سؤالات تحقیق

- ۱- آیا اصولاً ضابطه خاصی برای تشخیص و تفکیک جرایم قابل گذشت از جرایم غیر قابل گذشت در قوانین و مقررات کیفری پیش بینی شده است؟
- ۲- آیا سیاست کیفری تقنینی ایران بسترهای لازم را برای پیشگیری و مقابله با جرایم قابل گذشت فراهم نموده است؟

1- در این زمینه ماده 159 قانون تعزیرات 1362، ماده 727 قانون تعزیرات 1375 و بند های 2 و 3 ماده 4 قانون آیین دادرسی کیفری 1378 قابل توجه هستند.

۳- سیاست کیفری تقنینی ایران در قبال جرایم قابل گذشت سرکوبگرانه است یا پیشگیرانه

3- فرضیات تحقیق

1 - اصولاً ضابطه خاصی برای تشخیص و تفکیک جرایم قابل گذشت از جرایم غیر قابل گذشت در قوانین و مقررات کیفری مانند حق الله یا حق الناس بودن جرم پیش بینی شده است.

2- سیاست کیفری تقنینی ایران با پیش بینی تدابیر گوناگون و پیشگیرانه در برخی از موارد همچون رضایت بزه دیده بسترهای لازم را برای پیشگیری و مقابله با جرایم قابل گذشت فراهم نموده است .

3- سیاست کیفری تقنینی ایران در قبال جرایم قابل گذشت بیشتر جنبه پیشگیرانه دارد .

4- اهداف تحقیق

۱- ایجاد تحولات نوین نظام بزه های قابل گذشت در پرتو راهکارهای قضایی و نو آوریهای تقنینی

۲- مقایسه جرایم قابل گذشت قبل و بعد از انقلاب اسلامی ایران

3- ایجاد حس عفو و گذشت در افراد جامعه با استفاده از محدود ساختن جرایم غیر قابل گذشت در قوانین کیفری جمهوری اسلامی ایران

5- روش تحقیق

این تحقیق به روش کتابخانه ای و بر اساس فیش برداری صورت گرفته است بدین صورت که برای نگارش آن در ابتدا موضوعات اصلی و سپس فرعی با مشورت اساتید محترم راهنما و مشاور مشخص گردید. و پس از آن با تهیه منابع و ماخذ معتبر موجود در کتابخانه ها از آنها تلخیص به عمل آمد. سرانجام از فیش های تهیه شده جمع بندی و نقاط ضعف و قوت نظریات صاحب نظران مشخص گردید. گفتنی است که به دلیل عنوان رساله و عناوین فصول و گفتارها از سایر روش های تحقیق از جمله روش آماری و بررسی های میدانی استفاده نشده است.

6- ضرورت انجام تحقیق

با توجه به اینکه تنها کتاب آقای رحیم اسرافیلیان آنهم در مورد جرایم قابل گذشت تاکنون به چاپ رسیده است و در مورد سیاست کیفری تقنینی ایران در قبال جرایم قابل گذشت کتاب یا مقاله جامعی به چاپ نرسیده ضرورت انجام این تحقیق را روشن می سازد.

7- ساختار تحقیق

این تحقیق در برگزیده دو فصل با موضوعات سیاست کیفری مفاهیم و انواع آن و جایگاه گذشت شاکی خصوصی در نظام کیفری جمهوری اسلامی می باشد. هر فصل شامل دو بخش و هر بخش شامل دو مبحث و هر مبحث در بردارنده دو گفتار می باشد. در بخش اول از فصل نخست به مفاهیم و ویژگیهای سیاست کیفری و در مباحث و گفتارهای این بخش به بررسی تحول و توسعه سیاست کیفری در بستر زمان و مکان و همچنین کم رنگ شدن ویژگیها و مرز بندی سیاست کیفری اشاره شده است.

در بخش دوم از فصل اول انواع سیاست کیفری مورد بررسی قرار گرفته است. در مبحث اول و گفتارهای این بخش سیاست کیفری تقنینی ایران قبل و بعد از انقلاب اسلامی مورد توجه قرار گرفته است و در مبحث دوم و گفتارهای آن سیاست کیفری غیر تقنینی شامل سیاست کیفری قضائی و سیاست کیفری اجرائی مورد بحث قرار گرفته است.